



مرکز تحقیقات اسلامی

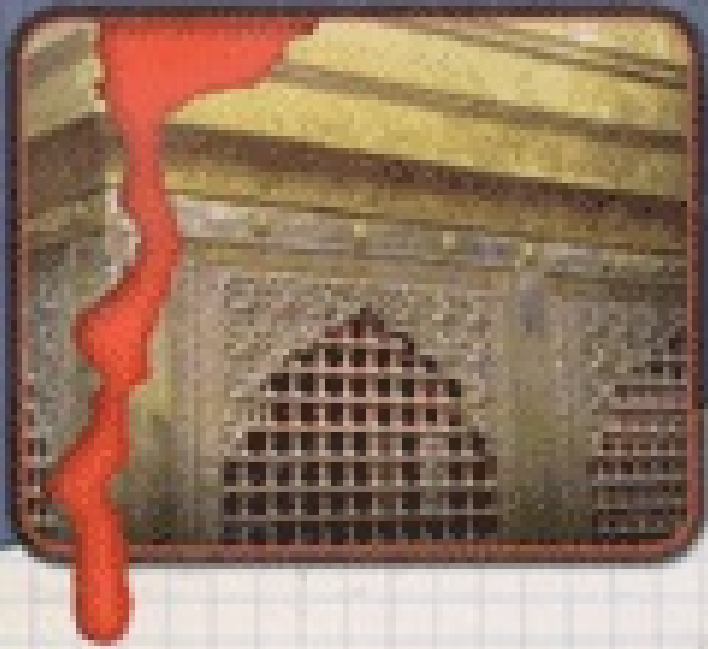
اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



امام حسینؑ  
و تحمل مصائب  
عليه السلام

مرکز خاتمه آیت الله العظمی  
عاج سید صادق حسینی شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# امام حسين عليه السلام و تحمل مصايب

نويسنده:

آيت الله العظمى حسيني

ناشر چاپي:

موسسه الرسول الاكرم (صلي الله عليه وآله وسلم)

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	امام حسین علیه السلام و تحمل مصایب
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهرست
۱۱	درآمد
۱۴	دستگاه بی مانند سیدالشهدا علیه السلام
۱۷	نبرد های استثنایی عاشورا
۲۳	جلوگیری از اهانت به شهدا
۲۴	آب خواستن از دشمنان
۲۶	امام حسین علیه السلام و اهانت های دشمن
۲۹	هیچ روزی عاشورا و هیچ زمینی کربلا نیست
۳۳	دعای امام صادق در حق دوستداران امام حسین
۳۵	سفارش به عزاداران
۳۸	و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین
۴۶	درباره مرکز

امام حسین علیه السلام و تحمل مصایب

مشخصات کتاب

انتشارات سلسله

SELSELEN.PUBLICATIONS

« امام حسین علیه السلام و تحمل مصایب »

سخنرانی حضرت آیه الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی (دام ظلّه)

تدوین / علی خنیفرزاده

به اهتمام / مؤسسه فرهنگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله

[www.shirazi.ir](http://www.shirazi.ir)

[info@s-alshirazi.com](mailto:info@s-alshirazi.com)

نوبت چاپ / دوم

تاریخ انتشار / دی ماه 1386

ذی الحجة الحرام 1428 هـ - ق

شمارگان / 10000

چاپ / سیمای کوثر

قیمت / 250 تومان

ناشر / انتشارات سلسله

قم - پاساژ قدس شماره 97، کدپستی 37137-13993

تلفن 7730717 / فاکس 7749108

[WWW.SELSELE.KETABNAMEH.COM](http://WWW.SELSELE.KETABNAMEH.COM)

e.mail : [selseleh\\_pub@hotmail.com](mailto:selseleh_pub@hotmail.com)

شابک : ISBN: 978.964.8788.48 978-964-8788-48-0

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم لیلا عباسی

ص: 1

**اشاره**

بسم الله الرحمن الرحيم

امام حسين عليه السلام و تحمل مصائب

از سخنرانی های

مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی

حاج سید صادق حسینی شیرازی دام ظلّه

ص: 2



درآمد ... 5

دستگاه بی مانند سید الشهداء علیه السلام ... 8

نبرد های استثنایی عاشورا ... 11

جلوگیری از اهانت به شهدا ... 17

آب خواستن از دشمنان ... 18

امام حسین علیه السلام و اهانت های دشمن ... 20

هیچ روزی عاشورا و هیچ زمینی کربلا نیست ... 23

دعای امام صادق در حق دوستداران امام حسین علیه السلام ... 27

سفارش به عزاداران ... 29

متن دعای امام صادق علیه السلام ... 34

ص: 3



( عَظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا وَ أَجُورَكُمْ بِمُصَابِنَا بِسَيِّدِنَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ جَعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلَدِهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ وَ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ. ) (1)

## درآمد

عاشورای امسال نیز تمام شد. سوگواری ها، گریه ها و خدمت گزاری هایی که طی دیشب و امروز در سطح کره زمین - و حتی آسمان ها و بهشت - برای حضرت سیدالشهدا علیه السلام صورت گرفته از شمار بیرون است.

ص: 5

---

1- این سخنرانی در شام غریبان 1427 ق ( 1384 ش ) ایراد شده است.

فقط خدای متعال و کسانی که خود خدا خواسته است می توانند این حجم عظیم از عزاداری را دریابند و عده عزاداران آن حضرت را شماره کنند.

ممکن است بتوان عزاداران و عزاداری های روی زمین را شمرد، اما چگونه می توان انبوه عزاداران آسمان ها و سوگواران عوالم بالا را شماره کرد؟

سوگواری برای امام حسین علیه السلام فقط به شیعیان یا مسلمانان اختصاص ندارد، و هستند کسانی که مسلمان نیستند ولی برای آن حضرت اشک می ریزند و سوگواری می کنند. از این رو تعیین عده دقیق آنان - دست کم - بسیار دشوار است. بر فرض که کسی بتواند عدد دقیق عزاداران را در زمین حساب کند، اما قطرات اشکی را که دیشب و امروز برای آن حضرت جاری شده چه کسی می تواند بشمارد؟ از طرفی چه کسی می تواند ارزش واقعی این قطرات را بداند؟ آیا یک قطره از این اشک ها را می توان با میلیون ها یا میلیارد ها ثروت مقایسه نمود؟

وانگهی همه اشک هایی هم که در این مدت ریخته می شود

ص: 6

ارزش یکسان ندارند و جایگاه عزاداران دارای مراتب بسیار است. برای نمونه اشکی که از چشمان مبارک صدیقه دو عالم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در ماتم سیدالشهدا علیه السلام می ریزد نمی توان گفت هر قطره آن از عالم و ما فیها با ارزش تر است. اصلاً این دو با یکدیگر سنخیت ندارند و این مقایسه از اساس درست نیست.

برای این که این موضوع روشن تر شود مثالی عرض می کنم:

نقل است هنگامی که امام حسن و امام حسین علیهما السلام در سن کودکی بودند روزی به جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله نه گفتند: برخی از بچه ها و هم سالان ما مرکب سواری دارند ولی ما نداریم. رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را بر شانه مبارک خود سوار نمودند گفتند: مرکب بچه ها صدا می دهد و شیهه می کشد. حضرت نیز شروع کردند به سخن گفتن و لفظ « الهی العفو، الهی العفو » را بر زبان جاری نمودن. در این هنگام جبرئیل امین فرود آمد و عرض کرد: اگر همچنان استغفار کنید و « العفو » بگویید خدای متعال آتش دوزخ را خاموش خواهد کرد.

شکی نیست که عدالت الهی اقتضا می کند که جهنم باشد، و گرنه

ص: 7

چگونه می توان کسانی چون شمر بن ذی الجوشن و حرمه را به کیفر رساند؟ این افراد اگر در این جهان هزاران بار کشته شوند، برای مجازات شان کافی نیست.

این تأثیر «العفو» گفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله است. حال طلب عفو ایشان کجا و «العفو» گفتن دیگران کجا؟!

گریه بر امام حسین نیز چنین است و اشک هایی که در ماتم آن حضرت از دیدگان افراد جاری می شود، هر چند در هر حال همگی ارزشمند هستند ولی یکسان و هم ارزش نمی باشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مصیبت سیدالشهدا علیه السلام گریه می کنند و ما هم گریه می کنیم، ولی گریه آن جناب کجا و گریه ما کجا؟!

### **دستگاه بی مانند سیدالشهدا علیه السلام**

چهار نفر از حضرت سیدالشهدا علیه السلام برترند: رسول خدا، حضرت امیر المؤمنین، حضرت فاطمه زهرا، و امام حسن مجتبی علیه السلام؛ همچنان که در روایت است خود سیدالشهدا علیه السلام در کربلا صریحاً فرمودند:

ص: 8

(أَبِي خَيْرٍ مِنِّي وَأُمِّي خَيْرٌ مِنِّي وَ أَخِي خَيْرٌ مِنِّي وَلِيِّ وَ لِكُلِّ مُسْلِمٍ بِرَسُولِ اللَّهِ)؛ (1) پدرم، مادرم و برادرم همگی از من برترند و در رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من و هر مسلمانی اسوه هست.

اما در عین حال عزاداری ها و خدمات و اطعام ها و سوگواری - هایی که طی دیشب و امروز (تاسوعا و عاشورا) برای امام حسین علیه السلام انجام شده است در دوره سال برای حضرات معصوم دیگر انجام نمی گیرد. اگر تمام مجالس روضه، و هیئت ها و دستجات عزاداری و سینه زنی که طی دوازده ماه برای سیزده معصوم دیگر انجام شده است با حجم فعالیت ها و عزاداری هایی که فقط در شبانه روز گذشته برای امام حسین علیه السلام انجام شده است مقایسه شود، به مراتب کمتر است، چه رسد به انبوه مجالس و عزاداری هایی که در دوره سال برای آن حضرت برگزار می گردد؛ زیرا خود خدای متعال، امام حسین علیه السلام را استثنا قرار داده است.

از این رو رسول خدا، حضرت امیر مؤمنان، فاطمه زهرا، امام حسن و دیگر امامان علیهم السلام با امام حسین علیه السلام به عنوان یک مسئله

ص: 9

استثنایی و بی مانند رفتار نموده اند.

حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نیز با این مسئله به نحوی استثنایی برخورد کرده اند؛ حضرت خطاب به جد بزرگوارشان عرضه داشته اند :

( وَ لِأَبِيكَ عَلَيْنَا بِدَلِّ الدُّمُوعِ دَمًا ) ؛ (1) به جای اشک بر تو خون خواهیم گریست .

چنین تعبیری را آن حضرت خطاب به هیچ یک از معصومین حتی مادرشان فاطمه زهرا علیها السلام به کار نبرده اند.

همچنان که امام حسین علیه السلام یک استثنا است، عزاداری ایشان نیز استثنایی است. بسیاری از افراد در روز های گذشته در مجالس و هیئت های عزاداری شرکت کرده اند، خستگی و بی خوابی کشیده اند، چه بسا برای برگزاری مراسم عزا قرض کرده اند یا ضامن گرفته اند، و ... بدانیم که این فعالیت ها و عزاداری ها همگی استثناست و کسانی که دست به این فعالیت ها می زنند پاداشی استثنایی خواهند داشت.

ص: 10

---

1- همان، ج 98، ص 320 .



این فعالیت ها و این مجالس عزاداری به قدری ارزش دارند که نمی توان آن ها را با تمام ثروت های دنیا مقایسه کرد. اگر بگوییم این مجالس عزاداری گوهر گران بهایی است حق مطلب را ادا نکرده ایم. یک دنیا گوهر در برابر یک قطره اشک حقیقی برای امام حسین علیه السلام بی ارزش است. اما چه می شود کرد که بشر فقط طلا و نقره و گوهر را به عنوان چیز های ارزشمند می شناسد و همه امور ارزشمند را با طلا و نقره و امثال آن مقایسه می کند. و گرنه شعائر حضرت سید الشهداء علیه السلام را با امور دنیوی نمی توان مقایسه کرد.

## **نبرد های استثنایی عاشورا**

یکی از استثنائات سیدالشهدا علیه السلام که تا کنون کم تر کسی بدان پرداخته است، به نبردهایی مربوط می باشد که در روز عاشورا رخ داد. در طول تاریخ، جنگ ها و درگیری های فراوانی رخ داده و ستم های بسیاری، پیش از ماجرای کربلا و پس از آن، در نقاط گوناگونی از جهان صورت گرفته است.

در هیچ یک از جنگ های تاریخ دیده نشده است که فرمانده

سپاه بر بالین یکایک سربازان بیاید و مانع اهانت دشمن به سرباز به خون خفته شود. اما در کربلا امام حسین علیه السلام هنگامی که یکی از اصحاب بر زمین می افتاد فوراً خودشان را به بالین وی می رساندند و این از استثنائات سیدالشهدا علیه السلام است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله با این که از امام حسین علیه السلام برترند در جنگ ها چنین رفتار نمی کردند و حضرت امیر المؤمنان علی علیه السلام نیز در سه جنگی که بر ایشان تحمیل شد چنین روشی اتخاذ نکردند و قانون جنگ نیز چنین چیزی را اقتضا نمی کند. اما یکی از استثنائات سیدالشهدا علیه السلام این است که بر بالین تک تک شهدا می آمدند و مانع هر گونه اهانت احتمالی دشمنان به پیکر مطهر شهدا می شدند. آن حضرت بر بالین زهیر بن قین، حبیب بن مظاهر، قاسم بن حسن، حضرت قمر بنی هاشم و کلیه شهیدان آمدند و همه شهیدان از حر بن یزید ریاحی - که شیخ عشیره بود - تا « جون » غلام سیاه از این مزیت بی بهره نماندند. چرا که آن حضرت آخرین کسی بودند که به شهادت رسیدند و حتی عبدالله بن الحسن علیهما السلام نیز که پیش از امام حسین علیه السلام بر زمین افتاد ولی پس از آن حضرت به شهادت رسید -

ص: 12

نیز از این قاعده مستثنا نیست و حضرت بر بالین وی نیز آمدند.

هم در روایات ائمه علیهم السلام و هم در گفتار مورخان و ناقلان واقعه کربلا و کسانی چون حمید بن مسلم - که روی بلندی ایستاده بود - این نکته آمده است که امام حسین علیه السلام در واقعه عاشورا سوار بر اسب مراقب اوضاع بودند و به محض آن که شهیدی بر زمین می افتاد مانند باز شکاری (کالصقر المنقَص) (1) فوراً بر سر بالین وی حاضر می شدند.

شهدای واقعه کربلا در لحظه ای بر زمین می افتادند که از آن ها رمقی بیشتر باقی نمانده بود و حتی اگر آنان را نمی کشتند، بعد از کمی جان می سپردند؛ زیرا انبوه ضربات تیر و نیزه و شمشیری که از همه سو به بدن آنان اصابت کرده بود و خستگی و تشنگی شدید و مبارزه با لشکریان زیاد با جنگ افزارهای کثیر آن زمان که از آن جهت آن ها را به کوه آهن توصیف کرده اند (2) کافی بود تا آنان را از پای در آورد. ولی حضرت در حالی خود را به بالین آن شهید می رساندند که هنوز نیمه جانی در بدن او باقی بود. حضرت با

ص: 13

---

1- بحار الانوار، ج 45، ص 35

2- وَلَقُوا جِبَالَ الْحَدِيدِ و... (بحار الانوار، ج 45، ص 93).

دشمنان می جنگیدند و پیکر شهید را شخصاً به خیمه ها می آوردند یا دستور می دادند که آن را به خیمه برسانند.

تنها استثنا در این مورد بدن حضرت ابا الفضل بود که حضرت به دلایلی ایشان را به خیمه ها نرساندند. حضرت ابا فضل که سالاری یاران ابا عبدالله الحسین علیه السلام را بر عهده داشتند، هر چند برادر امام حسین علیه السلام بودند، خود را خادم ایشان می دانستند. شاید بنا بوده است که بدن این برادر همچون بدن مطهر حضرت در وسط جبهه نبرد باقی بماند و ایشان که در هیچ حالتی از همراهی و پشتیبانی آن حضرت کوتاهی نکردند، در این مسئله نیز همانند حضرت باشند. شاید هم مشیت الهی این بوده است که آن حضرت مثل خود حضرت سیدالشهدا علیه السلام قبه و بارگاه مستقلی داشته باشند که ملجأ و مزار عام و خاص باشد.

حضرت در لحظه افتادن هر کدام از شهدا به بالین او می آمدند، سر او را به دامن مبارک می گرفتند، خاک ها و خون ها را از چهره اش پاک می کردند، احیاناً با او سخن می گفتند، برایش دعا می نمودند، و سرانجام آن شهید در حالی جان می داد که سرش در

دامان مولایش سید الشهداء علیه السلام بود ... .

چه کسی می تواند تصور کند که برای آن شهید چه قدر ارزشمند بود که در لحظه جان دادن سرش در دامان مولایش باشد؟ زهی شرف که روح انسان در حالی از بدن مفارقت کند که انسان همنشین و هم سخن همچون مولایی باشد! چه سعادت از این بالاتر که انسان در رکاب سیدالشهدا علیه السلام کشته شود و در لحظه آخر کسی چون امام حسین علیه السلام از او خشنود باشند؟ چه دنیایی از دنیای این افراد بهتر و چه آخرتی از آخرت اینان بالاتر؟ خوشا به حالشان و چه جایگاه والایی نزد خدای متعال و رسول خدا صلی الله علیه و آله دارند و گوارای شان باد. کاش ما نیز بودیم و به این فوز عظیم دست می یافتیم... .

جای شگفت نیست که می بینیم اصحاب حضرت برای شهادت لحظه شماری می کردند و از یکدیگر سبقت می گرفتند و چه بسا سرخوش و شادمان با یکدیگر شوخی می کردند. (1) در حقیقت حضرت سیدالشهدا علیه السلام چنین روحیه های بلند و استواری در آنان

ص: 15

---

1- برخی درباره شوق و اشتیاق فوق العاده اصحاب ابا عبدالله الحسین علیه السلام نسبت به شهادت، تعبیر «عشق» را به کار می برند. ولی باید دانست که این تعبیر مناسب نیست و در روایات معتبر اهل بیت علیهم السلام نیز به کار نرفته است.

ایجاد کرده بودند و از سوی دیگر شوق جان دادن در دامان آن حضرت آنان را چنان مشتاق کرده بود که سر از پا نمی شناختند. بیهوده نیست که حضرت خود درباره اصحاب شان فرموده اند:

(إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي)؛ (1) من هیچ یارانی بهتر و با وفاتر از اصحاب خود نمی شناسم .

در حقیقت اصحاب آن حضرت نیز یکی دیگر از استثنائات دستگاه سیدالشهدا علیه السلام می باشند.

مورخین ذکر کرده اند در شب عاشورا وقتی بریر شروع کرد به مزاح و شوخی کردن با عبد الرحمان، عبد الرحمان به او گفت: ای بریر، می خندی؟ اکنون زمان خنده و مزاح نیست.

بریر گفت: خاندانم به خوبی می دانند که من نه در جوانی و نه اکنون که پیر شده ام هیچ گاه شوخی و خنده را دوست نداشته ام . اما اکنون از سر شادمانی و بشارت است که شوخی می کنم به خدا قسم که مدتی بیشتر نمانده است که با شمشیر های مان با این قوم ملاقات

ص: 16

---

1- بحار الانوار، ج 44، ص 392 .

کنیم و پس از آن در نعمت های جاویدان بهشت متنعم خواهیم بود. (1)

بریر فقیه و عالم مجتهدی بود که حتی در ایام جوانی نیز با شوخی میانه ای نداشت، اما اکنون در کهنسالی چه شده است که با عبد الرحمن از در مزاح در آمده است؟ ظاهر روایت نشان می دهد که شوخی بریر از شوخی های مربوط به جوانان بود که با شان و سن و سال بریر تناسبی نداشت. از همین رو بود که اعتراض عبدالرحمن را باعث شد. به هر حال این مطلب از وجد فوق العاده بریر و روحیه بالای شهدا کربلا حکایت می کند و البته آنان این روحیه را از سیدالشهدا علیه السلام کسب کردند. کسانی چون بریر مشاهده می کردند که هر چند اصحاب دیگر حضور دارند، سیدالشهدا علیه السلام خود شخصاً به بالین هر شهید می روند و او را مورد لطف و عنایت قرار می دهند. آن ها نیز برای درک چنین فیض و منزلتی لحظه شماری می کردند.

### جلوگیری از اهانت به شهدا

امام علیه السلام اجازه ندادند به اجساد شهدا جسارت و اهانت شود،

ص: 17

---

1- سید ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص 95.

ولی تمام اهانت ها را خودشان به جان خریدند. در همه جنگ ها معمولاً سربازان مورد اهانت قرار می گیرند و سرداران و فرماندهان در معرض اهانت قرار نمی گیرند، یا کمتر قرار می گیرند. اما در این جا هم امام حسین علیه السلام استثنا هستند. ایشان مانع هرگونه اهانت احتمالی دشمنان به پیکر شهیدان شدند، ولی خود آماج انواع اهانت ها و جسارت ها قرار گرفتند. ایشان آخرین کسی بودند که به شهادت رسیدند و هنگامی که بدن مطهر حضرت بر خاک گرم کربلا افتاد هیچ یک از یاران باوفایشان نبود تا مانع جسارت دشمنان شود، بدن مطهرشان را به خیمه ها بیاورد، یا سر مبارک شان را به دامن بگیرد. آن حضرت خودشان را سپر بلای تمام شهیدان نمودند ....

## آب خواستن از دشمنان

یکی از اهانت های فراوانی که امام حسین در روز عاشورا به جان خریدند، آب خواستن از دشمنان بود. امام عقل کامل است، و به خوبی می داند که آب خواستن از دشمن پیش رو آن هم از



طریق بالاترین مقام نظامی چه قدر برای آن فرمانده و لشکریانش مایه سرشکستگی است. از طرفی اظهار چنین تقاضایی از اشخاص لئیم برای نفس با کرامت یک انسان ارجمند و بزرگوار، فوق العاده سنگین و دشوار است، و هر چه نفس او بزرگوارتر باشد این کار برایش تلخ تر و ناگوارتر خواهد بود. روز عاشورا این امکان وجود داشت که به جای سیدالشهدا علیه السلام، دیگران از دشمن آب بخواهند، ولی در تاریخ هرگز نشنیده ایم که علی اکبر، حضرت عباس، بریر، زهیر، حبیب، یا جون، از دشمن آب خواسته باشند. حضرت سیدالشهدا علیه السلام در روز عاشورا چندین بار از دشمنان تقاضای آب کردند. شاید حکمت تکرار این تقاضا اتمام حجت بر دشمنان و نشان دادن عمق فاجعه و شدت انحطاط روحی آنان بود. آن حضرت این تکلیف شاق را انجام دادند و این اهانت را به جان خریدند تا یارانشان مورد این اهانت قرار نگیرند.

این مطلب نیز از استثنائات قضیه کربلاست، خدا می داند تحمل چنین اهانتی بر دل آقا چقدر دشوار بود ... .

## امام حسین علیه السلام و اهانت های دشمن

اما این اهانت ها به همین جا ختم نمی شود و اهانت هایی که متوجه آن حضرت شد فراوان بود. برخی از این اهانت ها مربوط به قبل از جنگ، برخی مربوط به زمان جنگ، و دسته ای دیگری مربوط به بعد از جنگ بود.

برای نمونه قبل از جنگ شخصی از لشکر مقابل نزد خیمه ها آمد و فریاد زد: این الحسین؛ حسین کجاست؟ با این که تمام اصحاب و بنی هاشم حضور داشتند خود حضرت پاسخ دادند: من حسینم. آن مرد به حضرت گفت: بشارت باد تو را به آتش که هم اکنون وارد آن خواهی شد. امام فرمودند: [نه، بلکه بشارت باد مرا به پروردگاری مهربان و شفاعتگر که خواسته ام را اجابت می کند. تو کسیتی؟ گفت: من محمد بن اشعث هستم.

او برادر جعده قاتل امام حسن مجتبی علیه السلام بود که خدای متعال در همان لحظه عقوبتش کرد: هنگامی که می خواست بیچد پایش

در رکاب اسب گیر کرد و بر زمین کشیده شد و به درک واصل گردید. (1)

وقتی حضرت می خواستند به نماز بایستند، یکی از لشکریان دشمن به نام حصین بن نمیر فریاد زد: نماز تو [که] قبول نیست [برای چه نماز می خوانی؟!]. حبیب بن مظاهر به او گفت: ای نابکار، گمان می کنی نماز فرزند رسول الله قبول نیست و نماز تو پذیرفته می شود؟ (2)

مانند چنین اهانت هایی در حق قمر بنی هاشم، حبیب، بریر و ... انجام نشد و فقط حضرت بودند که این زخم زبان ها را - که از زخم تیغ بدتر بود - تحمل کردند.

این ها مربوط به پیش از جنگ بود. در هنگام جنگ نیز اتفاقاتی که برای آن حضرت افتاد، برای هیچ یک از یاران شان صورت نگرفت. البته در این جا از حوادث هنگام جنگ می گذرم، فقط همین قدر می گویم که ارباب مقاتل درباره این لحظه گفته اند:

(فِرْقَةٌ بِالسُّيُوفِ وَفِرْقَةٌ بِالرَّمَاكِ وَفِرْقَةٌ بِالْحِجَارَةِ وَفِرْقَةٌ)

ص: 21

---

1- بحار الانوار، ج 45، ص 31.

2- همان، ص 21.

بِالْخَشَبِ وَبِالْعَصَا)؛ (1) گروهی با شمشیر، گروهی با نیزه، عده ای با سنگ، و عده ای با چوب و عصا آن حضرت را فرا گرفتند.

در حالی که حضرت هرگز اجازه ندادند چنین رفتاری با اصحاب شان انجام شود. این مطلب مربوط به زمانی است که حضرت هنوز سوار بر اسب بودند. هنگامی که حضرت بر زمین افتادند نیز این ماجرا تکرار شد و پیش از آن که حضرت بر زمین بیفتند، در روایت آمده است که یک تیر در حلق مبارک ایشان فرورفت.

مرحوم شیخ جعفر شوشتری - از علما و مجتهدان بزرگ - فرموده است: اگر چند دقیقه به امام حسین علیه السلام مهلت می دادند ایشان جان تسلیم می کردند و اصلاً به این کارها حاجت نبود. اما در آن لحظات آخر نگذاشتند ایشان به آسودگی جان بسپارند.

در این جا ماجرای شمر و بر زمین افتادن امام را نمی گویم؛ چرا که به راستی انسان نمی تواند حتی اندکی از حق این مصیبت عظیم را ادا کند. این مسائل در شهادت رسول خدا، حضرت امیر، امام حسن مجتبی علیهم السلام یا حتی در شهدای کربلا رخ نداده و فقط از

ص: 22

اختصاصات آن حضرت است.

ما نمی توانیم مصیبت کربلا و عمق این فاجعه را تصور کنیم.

خیلی از مسائل هم به دست ما نرسیده و بسیاری از کتب مقاتل و تواریخ در گذر زمان از بین رفته، یا به شعله های آتش سپرده شده است. فقط یک عنوان کتاب که در قم تألیف شده و بنا به نقل شیخ طوسی ده هزار برگ (بیست هزار صفحه) مطلب داشته است، به طور کامل سوزانده شده و حتی یک خط از آن هم بر جا نمانده است. غرض این که از قضایای عاشورا، آن چه به دست ما رسیده فقط قسمتی از وقایع کربلاست.

### **هیچ روزی عاشورا و هیچ زمینی کربلا نیست**

عاشورا استثنائات بسیاری دارد. سوگواری هایی که ما برای ما حسین علیه السلام انجام می دهیم برای هیچ یک از معصومین انجام نمی دهیم. خود معصومین هم چنین چیزی را نخواستند و با ماجرای امام حسین علیه السلام و عاشورا به شکلی استثنایی برخورد کرده اند. خدای متعال اراده فرموده است که ماجرای عاشورا از

ص: 23

همه جهت استثنایی و بی مانند باشد.

خود امام حسن مجتبی علیه السلام خطاب به برادر بزرگوارشان فرموده اند:

( لَا يَوْمَ كَيْوَمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؛ [\(1\)](#) یا ابا عبدالله هیچ روزی همانند روز [مصیبت بار] تو نیست.

از این رو «تعبیر کل یوم عاشورا وکل ارض کربلا» که بر سر بعضی زبان هاست - هر چند برای آن توجیهاتی گفته می شود - چون در گفتار پیشوایان ما نیامده صحیح نیست. از روایات ائمه معصوم علیهم السلام به روشنی دریافت می شود که هیچ زمینی حتی کعبه به قداست و شرافت کربلا نمی رسد و هیچ روزی همانند عاشورا نیست. در روایت آمده است که امام صادق علیه السلام فرمودند:

خدای تبارک و تعالی برخی از زمین ها و آب ها را بر برخی از زمین ها و آب ها برتری بخشید. پس از آن برخی از زمین ها فخر فروشی کردند و به این جهت و به جهت خودداری از فروتنی در برابر خدا کیفر شدند و خدا مشرکان را بر کعبه مسلط نمود و آب

ص: 24

---

1- بحار الانوار، ج 45، ص 218.

شوری را روانه زمزم کرد که مزه آن را ناگوار ساخت. اما زمین کربلا و آب فرات اولین زمین و آبی بودند که خدای تبارک و تعالی را تقدیس کردند. از این رو خدا نیز به آن ها برکت داد و به سرزمین کربلا فرمود: سخن بگو که خدا تو را برتری بخشیده است، در حالی که آب و زمین ها به همدیگر فخر فروشی می کنند. زمین کربلا گفت: من زمین مقدس و مبارک خدایم که خاک و آب من مایه شفا [و بهبود] است. البته فخر نمی فروشم و در برابر کسی که

مرا چنین آفریده است فروتن و خوارم و بر زمین هایی که مرتبه پایین تری دارند فخر نمی فروشم بلکه خدا را سپاس می گزارم. سپس خدا به سبب فروتنی و سپاسگزاری زمین کربلا، آن را با امام حسین علیه السلام و یارانش کرامت و بزرگی بخشید. (1)

اما در این روایت آمده است که زمین کعبه افتخار کرد اما بر کربلا افتخار نکرد، با این حال خدا آن را سرزنش کرد و آب شیرین زمزم را - که از حواشی کعبه است - شور ساخت. گویا خدای متعال می خواهد نشان دهد که افتخار فقط از آن کربلاست.

ص: 25

نیز از آن حضرت روایت شده است که فرمودند: روزی سرزمین مکه به خود بالید و گفت: خدا خانه اش را روی من قرار داده و مردم از دور و نزدیک به سمت من می آیند. منم که حرم امن الهی هستم. خدای متعال او را ملامت کرد و گفت: به عزت و جلالم سوگند، فضیلت تو نسبت به فضیلت و شرافت سرزمین کربلا همانند آب موجود بر سر یک سوزن خیس نسبت به دریاست. اگر سرزمین کربلا نبود تو را برتری نمی دادم و اگر آن چه در کربلاست نبود اصلاً تو را نمی آفریدم و خانه ای را که بدان فخر می کنی خلق نمی کردم. آرام بگیر و بدون سرپیچی و خودخواهی دنباله و وابسته ای فروتن، خوار، سرافکننده برای سرزمین کربلا باش و گرنه تو را مسخ می کنم و در آتش دوزخ می افکنم. (1)

از روایات معصومین علیهم السلام آشکارا دریافت می شود که: (كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا). چه لزومی دارد که انسان سخنی بر خلاف فرمایش معصومین علیهم السلام بگوید و آن گاه درصدد توجیه آن

ص: 26

---

1- همان، ص 267. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع شود به: کامل الزیارات، باب 88 (فضل کربلاء و زیارة الحسین ... )؛ بحار الانوار، ج 98، باب 15 (الحائر و فضله و ...).



برآید؟ به هر حال زمین کربلا زمینی بی مانند و استثنایی است و روز عاشورا هم از استثنائات است.

## **دعای امام صادق در حق دوستداران امام حسین**

عزاداران و دوستان امام حسین علیه السلام نیز همانند آن حضرت استثنای هستند. سوگواران، زائران، و خادمان آن حضرت، کسانی که نام و یاد ایشان را زنده نگاه می دارند و کسانی که بر مصائب جان سوز ایشان اشک می ریزند پاداش بی مانندی در انتظار آن هاست و اهل بیت علیهم السلام به نحوی استثنایی با آنان برخورد کرده اند. معاویه بن وهب می گوید:

برای تشریف به محضر امام صادق علیه السلام اجازه گرفتم. وقتی وارد شدم دیدم آن حضرت مشغول نماز هستند. منتظر نشستم تا نماز ایشان تمام شد. پس از پایان نماز آن حضرت شروع به مناجات با خدا نمودند و عرضه داشتند: «ای کسی که ما را به کرامت و وصایت ممتاز کرد و به ما وعده شفاعت داد و علم گذشته و آینده را به ما عطا نمود ... من و برادرانم را پیامرزد که برای نیکی به ما و به

ص: 27

امید به دست آوردن پاداشی که در ایجاد پیوند با ما نهاده ای و نیز شاد کردن دل پیامبرت - که درود تو بر او و خاندنش باد - و فرمان برداری از ما و خشمگین کردن دشمنان ما و به دست آوردن خشنودی ات اموال خود را صرف کردند ... [بار پروردگارا] پس از جانب ما خشنودی ات را پاداش آنان قرار ده و در شبان و روزان پاسشان دار ... و با آنان همراه باش و شر هر ستمگر سرکش و هر آفریده ناتوان یا نیرومند و نیز شر شیاطین جن و انس را از آنان به دور دار و به آنان که ما را بر فرزندان و اهل و خویشان خود ترجیح دادند بهتر از آن چه انتظار دارند، عطا کن. خدایا ... بر آن چهره هایی که آفتاب رنگ شان را دگرگون کرده رحمت کن و آن گونه هایی را که بر قبر ابا عبدالله نهاده می شود مورد رحمت قرار ده و آن دیدگانی را که به مهر ما گریان می شوند مشمول مهر خود قرار ده و آن دل هایی را که برای ما بی تاب شد و سوخت مشمول مهر خود گردان و فریاد هایی را که برای ماست مشمول رحمت خود ساز. پروردگارا، من این جان ها و این تن ها را تا زمانی که در روز تشنگی در کنار حوض [کوثر] ملاقات شان کنیم، به تو می سپارم « .

حضرت همان طور که در حال سجده بودند پیوسته این دعا را می خواندند. وقتی مناجات ایشان به پایان رسید عرضه داشتیم: فدایت شوم، اگر این دعایی که از شما شنیدم در حق کسی می بود که اصلاً خدا را هم نمی شناخت به گمانم که آتش دوزخ را بهره ای در او نبود... (1)

## سفارش به عزاداران

حال که دانستیم عزاداران سیدالشهدا علیه السلام همانند خود آن حضرت استثنایی اند، قدر بدانیم و بکوشیم حق این نعمت را ادا کنیم. همان طور که امام حسین علیه السلام دست به فداکاری های گوناگون زدند و بسیاری از اهانت ها را به جای اصحاب شان تحمل فرمودند بکوشیم ما نیز با اقتدا به آن حضرت، اهانت ها و سختی های روحی را در راه ایشان به جان بخریم. بسیاری از ما برای اقامه شعائر حسینی خستگی و بی خوابی را تحمل می کنیم و از جسم و پول خود مایه می گذاریم ولی رنج های روحی و اهانت ها و شماتت ها را تحمل نمی کنیم. اگر کسی بر ما خرده گرفت که عزاداری خرافات

ص: 29

---

1- کافی، ج 4، ص 582 (باب فضل زیارة ابی عبدالله الحسین علیه السلام).

است، و موجبات تمسخر دشمنان را فراهم می کند، نباید دلسرد شویم و بگوییم زخم زبان از زخم تیغ بدتر است.

آری بدتر است ولی باید این زخم زبان ها را هم مانند مولایمان بر خود هموار کنیم و خم به ابرو نیاوریم.

تحمل این زخم زبان ها در راه امام حسین علیه السلام عزت دو جهان است و اگر شماتت ها را در این راه تحمل کردیم مشمول دعای خیر ائمه - از جمله همین دعای یاد شده - می گردیم، و تفاوتی ندارد که این خرده گرفتن ها از سوی دشمنان باشد یا غیر آن ها.

چه بسا بعضی، عزاداری را نوعی بی فرهنگی می دانند و بر عزاداران خرده می گیرند و آنان را مسخره می کنند. چنین کسانی بی شک نگون بخت ترین افراد عالم می باشند. سعی کنیم هر چند جواب این افراد نادان و عیب جو را می دانیم تحمل کنیم و به آنان پاسخ ندهیم. البته فراموش نکنیم که خدا هر چند از حق خود گذشت می کند، از توهین به دستگاه سیدالشهدا علیه السلام و مبارزه با آن در نمی گذرد. دست خدا پشت این عزاداری هاست و مشیت الهی بر این تعلق گرفته است که این دستگاه هر ساله جلوه و رونق و آوازه

بیشتری پیدا کند. تمام زیارات رسول خدا و ائمه اطهار - علیه و علیهم الصلاة والسلام - که از ناحیه اهل بیت علیهم السلام وارد شده است (و بی شک گفتار اهل بیت گفتار خدا می باشد) ولی در عین حال زیارت عاشورای امام حسین علیه السلام مستقیماً به صورت حدیث قدسی از جانب ذات باری تعالی نازل شده است و این نکته از میان زیارات چهارده معصوم علیهم السلام و فقط به امام حسین علیه السلام اختصاص دارد.

عزای طویریج که از سنت های دیر پا و حسنه است و در بسیاری از نقاط جهان برگزار می شود، در عاشورای امسال ساعت ها طول کشیده است. می گویند مرحوم سید بحر العلوم در زمان مرجعیت خود یک روز عاشورا در محل گذر دسته عزاداری طویریج ایستاده بود و عزاداران را تماشا می کرد و سینه می زد. ناگهان حاضران مشاهده کردند که ایشان یکباره منقلب شدند و عمامه را بر زمین زدند و در میان عزاداران رفته، شروع کردند به «حسین ، حسین» گفتن و سینه زدن. پس از پایان عزاداری اطرافیان اعتراض کردند که: آقا این کار مناسب شأن شما نبود. فرمود: چه کنم، همان طور که نگاه می کردم یکباره مولایم آقا امام زمان - عجل الله تعالی فرجه

الشریف - را وسط جمعیت مشاهده کردم.

وقتی حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - پس از گذشت بیش از هزار سال در مراسم عزاداری شرکت می کنند تکلیف کسانی که این عزاداری ها را مسخره می کنند معلوم می شود.

بکوشیم ما نیز چون مولایمان در تحمل دشواری های روحی و جسمی استثنایی باشیم. ان شاء الله خدای متعال همه دوستان، زائران، عزاداران آن حضرت را به برکت خود سیدالشهدا علیه السلام مشمول رحمت واسعة خود قرار دهد.

**و صلی الله علی محمد و آله الطاهین**

ص: 32

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

عكس

□

ص: 33

( مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَغَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ غَسَّانِ الْبَصْرِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ اسْتَأْذَنْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقِيلَ لِي ادْخُلْ فَدَخَلْتُ فَوَجَدْتُهُ فِي مَصَدَّ أَلَاهُ فِي بَيْتِهِ فَجَلَسْتُ حَتَّى قَضَى صَلَاتَهُ فَسَمِعْتُهُ وَهُوَ يَتَجَلَّى رَبَّهُ وَهُوَ يَقُولُ يَا مَنْ خَصَّنَا بِالْكَرَامَةِ وَخَصَّنَا بِالْوَصِيَّةِ وَوَعَدَنَا الشَّفَاعَةَ وَأَعْطَانَا عِلْمَ مَا مَضَى وَ مَا بَقِيَ وَ جَعَلَ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْنَا اغْفِرْ لِي وَإِخْوَانِي وَلِزُورِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَأَشْرَوْا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَةً فِي بَرِّنَا وَرَجَاءٍ لِمَا عِنْدَكَ فِي صِدْقِ لِقَائِنَا وَسُرُوراً أَدْخَلُوهُ عَلَى نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ إِبْرَاهِيمَ مِنْهُمْ لِأَمْرِنَا وَغَيْظاً أَدْخَلُوهُ عَلَى عَدُوِّنَا أَرَادُوا بِذَلِكَ رِضَاكَ )



برای تشریف به محضر امام صادق علیه السلام اجازه گرفتم. وقتی وارد شدم دیدم آن حضرت مشغول نماز هستند. منتظر نشستم تا نماز ایشان تمام شد. پس از پایان نماز آن حضرت شروع به مناجات با خدا نمودند و عرضه داشتند: «ای کسی که ما را به کرامت و وصایت ممتاز کرد و به ما وعده شفاعت داد و علم گذشته و آینده را به ما عطا نمود و دل های برخی از مردم را به ما متمایل ساخت من و برادرانم و زوار قبر ابا عبدالله الحسین علیه السلام را بیمارز؛ زواری که برای نیکی به ما و به امید به دست آوردن پاداشی که در ایجاد پیوند با ما نهاده ای و نیز شاد کردن دل پیامبرت - که درود تو بر او و خاندنش باد - و فرمان برداری از ما و خشمگین کردن دشمنانمان و به دست آوردن خشنودی ات اموال خود را صرف کردند و رنج سفر را بر پیکر های خود هموار نمودند.

( فَكَافَيْهِمْ عَنَّا بِالرِّضْوَانِ وَ أَكْلَاهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ اخْلَفَ عَلَى أَهَالِيهِمْ وَ أَوْلَادِهِمْ الَّذِينَ خُلِقُوا بِأَحْسَنِ الْخَلْفِ وَ اصَّحَبَهُمْ وَ أَكْفَيْهِمْ شَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ كُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ شَدِيدٍ وَ شَرِّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ أَعْطَيْهِمْ أَفْضَلَ مَا أَمَلُوا مِنْكَ فِي غَرْبَتِهِمْ عَنْ أَوْطَانِهِمْ وَ مَا آتَرُونَا بِهِ عَلَى أَبْنَائِهِمْ وَ أَهَالِيهِمْ وَ قَرَابَاتِهِمْ اللَّهُمَّ إِنَّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَيْنِهِمْ خُرُوجَهُمْ فَلَمْ يَنْهَهُمْ ذَلِكَ عَنِ الشُّحُوصِ إِلَيْنَا وَ خِلَافًا مِنْهُمْ عَلَى مَنْ خَالَفْنَا فَارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهَ الَّتِي قَدْ غَيَّرْتَهَا الشَّمْسُ وَ ارْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي تَقَلَّبَتْ عَلَى حُفْرَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ارْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَ ارْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَ احْتَرَقَتْ لَنَا وَ ارْحَمْ الصَّرْحَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ وَ تِلْكَ الْأَبْدَانَ حَتَّى نُؤَافِيَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ فَمَا زَالَ وَ هُوَ سَاجِدٌ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ )

ص: 36

[بار پروردگارا] پس از جانب ما خشنودی ات را پاداش آنان قرار ده و در شبان و روزان پاسشان دار و در میان اهل و فرزندان که در وطن برجای نهادند بهترین جانشین برای آنان باش و با آنان همراه باش و شر هر ستمگر سرکش و هر آفریده ناتوان یا نیرومند و نیز شر شیاطین جن و انس را از آنان به دور دار و به آنان که ما را بر فرزندان و اهل و خویشان خود ترجیح دادند بهتر از آن چه انتظار دارند، عطا کن. خدایا دشمنان ما بر [سفر و] بیرون آمدن آنان خرده گرفتند، ولی این کار باعث نشد که نزد ما نیایند و با مخالفان ما از در مخالفت وارد نشوند. پس بر آن چهره هایی که آفتاب رنگ شان را دگرگون کرده رحمت کن و آن گونه هایی را که بر قبر ابا عبدالله نهاده می شود مورد رحمت قرار ده و آن دیدگانی را که به مهر ما گریان می شوند مشمول مهر خود قرار ده و آن دل هایی را که برای ما بی تاب شد و سوخت و فریاد هایی را که برای ماست مشمول رحمت خود ساز. پروردگارا، من این جان ها و این تن ها را تا زمانی که در روز تشنگی در کنار حوض [کوثر] ملاقات شان کنیم، به تو می سپارم. حضرت همان طور که در حال سجده بودند پیوسته این دعا را می خواندند.

( فَلَمَّا انصَرَفَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَوْ أَنَّ هَذَا الَّذِي سَمِعْتُ مِنْكَ كَانَ لِمَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ لَطَنَنْتُ أَنَّ النَّارَ لَا تَطْعَمُ مِنْهُ شَيْئاً وَاللَّهِ لَقَدْ تَمَّيْتُ أَنْ  
كُنْتُ زُرْتُهُ وَ لَمْ أَحْجَّ فَقَالَ لِي مَا أَقْرَبَكَ مِنْهُ فَمَا الَّذِي يَمْنَعُكَ مِنْ إِيَابِهِ ثُمَّ قَالَ يَا مُعَاوِيَةَ لِمَ تَدْعُ ذَلِكَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَمْ أَدْرِ أَنَّ الْأَمْرَ يَبْلُغُ  
هَذَا كُلَّهُ قَالَ يَا مُعَاوِيَةَ مَنْ يَدْعُو لِرُؤُوسِهِ فِي السَّمَاءِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَدْعُو لَهُمْ فِي الْأَرْضِ . (1)

ص: 38

---

1- كافي، ج 4، ص 582 (باب فضل زيارة أبي عبدالله الحسين عليه السلام).

وقتی مناجات ایشان به پایان رسید عرضه داشتم: فدایت شوم، اگر این دعایی که از شما شنیدم در حق کسی می بود که اصلاً خدا را هم نمی شناخت به گمانم که آتش دوزخ را بهره ای در او نبود. به خدا قسم آرزو کردم که کاش حج نمی گزاردم ولی به زیارت امام حسین علیه السلام رفته بودم. حضرت فرمودند: تو چقدر به او نزدیکی، پس چه چیزی تو را از رفتن به آن جا باز می دارد؟ و فرمود: چرا این کار را فرو نهاده ای؟ عرضه داشتم: جانم به قربانت: نمی دانستم کار [زائران و دوستان ابا عبدالله الحسین علیه السلام] تا این مقدار ارجمند است. حضرت فرمودند: ای معاویه، کسانی که در آسمان برای زائران ایشان دعا می کنند بیشتر از کسانی هستند که در زمین برایشان دعا می نمایند.

\*\*\*

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

